

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مطالب گذشته

عرض کردیم که کسی که عملی را بلا تقلید انجام می‌دهد، در صورتیکه جاهل مقصر ملتفت باشد، بزرگانی مثل مرحوم سید(ره) و برخی از محشین عروه قائل‌اند به اینکه این عمل مطلقاً باطل است، یعنی ولو اینکه این عمل مطابق با واقع هم باشد.

این بحث را عنوان کرده و ادله‌اش را هم بررسی کردیم و ملاحظه فرمودید که همان طور که امام(رضوان الله علیه) در متن تحریر فرموده‌اند: اگر عمل جاهل مقصر ملتفت مطابق با واقع، یا مطابق با فتوای کسی که رجوع به او جایز است باشد، این عمل صحیح است و نیاز به اعاده ندارد.

جاهل قاصر و جاهل مقصر غافل

قسم دوم و سوم، جاهل قاصر و جاهل مقصر غافل است. جاهل قاصر یعنی کسی که نسبت به مسئله جهل دارد، اما تمکن از اینکه به يك مجتهد رجوع کرده و به فتوایش عمل کند ندارد، اما بالاخره عملی را انجام می‌دهد.

الان ولو اینکه اصلاً در زمان ما فرض اینکه کسی جاهل قاصر باشد، فرض بسیار نادری است، اما در گذشته که ارتباطات و وسائل ارتباط نبوده، این فرض امکان داشته که مثلاً کسی در روستایی باشد و حکم مسئله‌ای را نمی‌داند، تمکن از رجوع به مجتهد هم ندارد. در گذشته رساله به صورت این چنین نبوده و وسائل این زمانی هم نبوده، اما در زمان ما اگر نگوییم: اصلاً برای جاهل قاصر فرض وجود ندارد، اما خیلی به ندرت می‌توانیم بگوییم که کسی عنوان جاهل قاصر را دارد.

جاهل مقصر غافل یعنی کسی که نمی‌داند و تمکن از رجوع به مجتهد هم دارد، اما نسبت به جهل خودش غافل است، فکر می‌کند که آنچه مثلاً در روز جمعه بر او واجب است، نماز جمعه است، اصلاً به اینکه جاهل است توجهی ندارد و از جهل خودش غافل است.

نظر امام(ره) در این بحث

خوب کسانی که در جاهل مقصر ملتفت قائل می‌شوند به اینکه اعمال او صحیح است، کما اینکه ما هم به همین نتیجه رسیده گفتیم: اگر عملش مطابق با واقع، یا مطابق با فتوای کسی که رجوع به او جایز است درآمد، این عمل، عمل صحیحی است، اگر در آنجا قائل به صحت شدیم، در این دو مصداق دیگر یعنی جاهل قاصر و جاهل مقصر غافل به طریق اولی باید قائل به صحت

جاهل قاصر یا مقصر غافل اگر عملش مطابق با واقع درآمد، به طریق اولی این عمل باید صحیح باشد، وجه اولویت هم روشن است، وقتی می‌گوییم: جاهل مقصری که به جهل خودش هم التفات دارد، مع ذلك عملش اگر مطابق با واقع درآمد صحیح است، در اینجا که یا اصلاً قاصر است و یا غافل، به طریق اولی باید عملش صحیح باشد.

نظر مرحوم سید(ره) در این بحث

اما کسانی که در جاهل مقصر ملتفت قائل به بطلان شده‌اند، مثل مرحوم سید(ره)، خوب باید ببینیم که در جاهل قاصر یا جاهل مقصر غافل چه رای‌ی دارند؟

مرحوم سید(ره) در عروه در مسئله شانزدهم فرموده‌اند: «عمل الجاهل المقصر الملتفت باطل و إن كان مطابقاً للواقع»، جاهل مقصر ملتفت اگر من دون تقلید عملی را انجام داد، این عمل باطل است ولو مطابق با واقع باشد. «و أمّا الجاهل القاصر أو المقصر الذي كان غافلاً حين العمل و حصل منه قصد القرية»، اما جاهل قاصر یا مقصری که در این عمل غافل است و قصد قربت از او حاصل می‌شود، «فإن كان مطابقاً لفتوى المجتهد الذي قلده بعد ذلك كان صحيحاً»، اگر مطابق با فتوای مجتهدی باشد، که بعداً می‌خواهد از او تقلید کند، این عمل صحیح است، «و الأحوط مع ذلك مطابقتها لفتوى المجتهد الذي كان يجب عليه تقليده حين العمل»، یعنی علاوه بر مطابقت با فتوای آن مجتهد بعدی، احوط این است که باید با فتوای مجتهدی که در حین عمل باید به او رجوع می‌کرد هم مطابق باشد.

پس مرحوم سید(ره) فرموده‌اند: اگر عمل جاهل قاصر یا مقصر غافل مطابق فتوای مجتهدی باشد که الان می‌خواهد به او رجوع کند، این عمل صحیح است و احتیاط استحبابی هم بر این است که این عمل مطابق با فتوای مجتهد حین العمل هم باشد، یعنی مثلاً در طول این ده سال که در جهل بوده، از اول اگر می‌خواست از کسی تقلید کند از چه کسی تقلید می‌کرد؟ عملش مطابق با فتوای آن مجتهد هم باشد.

پس نظر ایشان بر این است که اگر عمل این شخص مطابق با فتوای هر دو تا مجتهد، یعنی مجتهد حین العمل و مجتهد حین الرجوع بود، صحیح است.

در جاهل قاصر و مقصر غافل آن مقداری که فتاوا را بررسی کردیم، کسی را قائل به بطلان باشد ندیدیم، همه فرمودند: اگر عملش مطابق با واقع در بیاید صحیح است، دلیل عمده‌اش هم این است که در جاهل مقصر ملتفت افراد و فقهای مثل سید(ره) قائل‌اند که امکان تحقق قصد قربت نیست، اما در جاهل قاصر و جاهل مقصر غافل، بدون هیچ اشکالی قصد قربت تمشی می‌شود، لذا آن اشکال وجود ندارد و در اینجا باید قائل به صحت شد.

مراد از مطابقت با فتوای مجتهد در کلمات فقهاء

بحث مهمی که اینجا وجود دارد، که قبلاً هم عرض کردیم این است که در عبارت فقهاء سه عنوان وجود دارد؛ يك عنوان مطابقت با واقع است، عنوان دوم مطابقت با فتوای مجتهدی که در حین عمل وظیفه‌اش این بوده که به آن مجتهد رجوع کند، که از او به مجتهد حین العمل تعبیر می‌کنیم و سوم مطابقت با فتوای مجتهد حین الرجوع.

الان مثلاً ده سال است گذشته، بعد از ده سال به مجتهدی رجوع کرد، در اینجا مرحوم سید(ره) تصریح کرده‌اند به اینکه اگر عمل جاهل قاصر یا مقصر غافل مطابق با فتوای مجتهد حین الرجوع شد این کافی است، اما بهتر این است که مطابق با فتوای مجتهد حین العمل هم باشد.

اما فقهاء در اینجا مختلف شده‌اند، بعضی از فقهاء مثل مرحوم محقق اصفهانی(قدس سره) و همچنین والد معظم ما(دام ظلّه) فرمودند که مطابقت با فتوای مجتهدی که حین العمل باید به او رجوع می‌کرد لازم است.

بعضی هم مثل مرحوم آقای خوئی(قدس سره) با مرحوم سید(ره) موافق کرده فرموده‌اند: مطابقت با فتوای مجتهد حین الرجوع لازم است.

بعضی هم مثل امام(رضوان الله علیه) نسبت به این جهت که این مطابقت با فتوای مجتهد، مراد کدام مجتهد است؟ مجمل گذاشته‌اند و تعیین نکرده‌اند که مجتهد حین العمل یا مجتهد حین الرجوع، البته شاید بتوان گفت که از عبارتشان استفاده می‌شود که ایشان فرقی بین مجتهد حین العمل یا مجتهد حین الرجوع قائل نیستند.

مرحوم آقای بروجردی(ره) هم در حاشیه عروه نظرشان بر این است که مجتهد حین العمل ملاک است و فرموده‌اند: «مناطق صحّة عمل الجاهل قاصراً کان أو مقصراً، عبادة كان العمل أو غيرها، هو وقوعه مطابقاً للواقع أو لفتوى من كان يجب عليه تقليده حين العمل»، مطابقت با فتوای کسی که حین العمل برایش واجب بوده که از او تقلید کند، پس ایشان با مرحوم سید(ره) مخالفت کرده و مثل مرحوم محقق اصفهانی(ره) حین العمل را معتبر دانسته‌اند.

علت آوردن قید مطابقت با واقع

خوب در اینجا يك بحث این است که این قید مطابقت با واقع را چرا آورده‌اند؟ عامی برای رسیدن به واقع و احراز واقع راهی را جز تقلید ندارد، پس این قید وجهی ندارد، برای اینکه ما علم غیب نداریم، زمان حضور معصوم هم نیست که علم وجدانی به مطابقت با واقع پیدا کنیم، لذا اصلاً باید در اینجا بر کلمات فقهاء اعتراض کرد، که چرا این عبارت را آورده‌اند، که عملش مطابق با واقع باشد؟ این يك چیزی است که در زمان ما اصلاً امکان تحقق ندارد.

ادله قائلین به مطابقت با فتوای مجتهد حین الرجوع

حالا بحث این است که ببینیم دلیل کسانی که قائل‌اند به اینکه ملاک حین الرجوع است چیست؟ مثلاً شخصی ده سال عملی را بلا تقلید انجام داده، الان بعد از ده سال به زید رجوع کرد، پس زید مجتهد فعلی این شخص می‌شود، یعنی مجتهدی که الان به او رجوع کرده است، حال کسانی که قائل‌اند اگر این عمل مطابق با فتوای مجتهد حین الرجوع بود، در صحت عمل کافی است، مثل مرحوم آقای خوئی(ره) چه دلیلی دارند؟

مرحوم آقای خوئی(ره) (تنقیح، جلد اول، صفحه 164) در ابتدا به صورت مقدمه فرموده‌اند: احکام واقعیّه از حقیقت خودشان تغییری پیدا نمی‌کنند، «احکام واقعیّه لا تتغير عن ما هي عليه»، مجتهدین هر فتوا و نظری که بدهند، حکم واقعی از آنچه که در واقع ثبت شده، تغییری پیدا نمی‌کند، فتوای مجتهد و تقلید از مجتهد بنا بر مبنای طریقیّت، طریقی است برای اینکه يك مکلف را به واقع برساند.

بعد فرموده‌اند: این شخصی که جاهل قاصر یا مقصر غافل بوده، الان شك مي‌کند که این اعمالش صحیح بوده یا نه؟ زمان ابتلاء این شخص همین حال است، الان نمی‌داند که این اعمال گذشته را باید اعاده کند یا نیازی به اعاده ندارد، لزوم اعاده و عدم لزوم اعاده حکمی است که بالفعل الان مورد ابتلاء این شخص است و الان باید به مجتهد خودش در این زمان رجوع کند.

اما نمی‌تواند به مجتهد سابق رجوع کند، چون مجتهد سابق ممکن است فوت شده باشد، لذا اگر بخواهد به او رجوع کند، تقلید از او، تقلید ابتدایی از میت می‌شود و یا بر مجتهد سابق نسیان عارضش شده و نسیان هم بنا بر بعضی از مبانی که قبلاً در حقیقت تقلید بود، گفتیم که محل به تقلید است.

در نتیجه قول مجتهد سابق محدود به يك زمانی بوده، که آن زمان منقضی شده، اما مجتهد فعلی که مکلف به او رجوع کرده، حکم و فتوای او الان مورد ابتلاء مکلف است، لذا قول مجتهد فعلی برای او حجیت دارد.

اگر بگویید: ممکن است قول مجتهد فعلی از این زمان به بعد برای او حجیت باشد، اما نسبت به اعمال سابقش حجیت نباشد، ایشان در جواب فرموده: این نیست، اگر مثلاً انسان کاری را ده سال قبل انجام داده، الان شك مي‌کنیم که آیا کفاره دارد یا نه؟ و مجتهد فعلی گفت که کفاره ندارد، بر طبق نظر او باید عمل کنیم.

در واقع فتوای مجتهد فعلی حجة شرعية کلیة الهیه، لا تختص به زمان دون زمان، لذا این فتوا هم نسبت به اعمال سابقه اعتبار دارد و هم نسبت به اعمال لاحق. پس فتوای مجتهد سابق، اگر فرض کنیم که از دنیا رفته است، در حق این شخص دیگر حجیتی ندارد، اما فتوای مجتهد فعلی برای این شخص مطلقاً حجیت دارد و فتوایش هم اختصاص به زمانی دون زمان ندارد.

پس خلاصه فرمایش ایشان این بود که نسبت به زمان فعلی، فتوای مجتهد سابق از حجیت ساقط شده، اما فتوای مجتهد فعلی به حجیت خودش باقی است، لذا الان باید به مجتهد فعلی رجوع کند.

در اینجا والد معظم ما (حفظ الله) در کتاب تفصیل الشریعه بر مرحوم آقای خوئی (ره) اشکال کردند، که این اشکال ایشان را در آنجا ببینید، این بحث دنباله دارد تا ببینیم به چه نتیجه‌ای در اینجا می‌رسیم.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ